

فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

سال یازدهم • شماره سی و نهم • بهار ۱۳۹۸

ISSN 2008-627X



- تحلیل تمثیل‌های نمادین اسب در شاهنامه فردوسی
حسن تاجیک محمدیه، عظامحمد رادمنش، مهرداد چترایی ۸
- رویکرد تمثیلی صائب تبریزی در بیان ویژگی‌های انسان سالم از منظر روان‌شناسان انسان‌گرا، با تکیه بر دیوان غزلیات شاعر
بهزاد پوررضایان، سید احمد حسینی کازرونی، سید جعفر حمیدی، عزت دیره ۲۸
- بررسی تمثیلات اخلاقی کلیله و دمنه در تبیین هدف از طبابت
اکبر ساجدی ۵۸
- گذری بر تمثیل در مثنویهای طالب علی‌خان لکهنوی، متخلص به عیثی
زیبا فلاحی، مهرداد چترایی، مریم محمودی ۷۹
- "از بودن تا شدن" در حکایتی تمثیلی از مثنوی (بررسی تطبیقی «حکایتی تمثیلی» از مثنوی، با مفهوم «انسان در مسیر بودن تا شدن» در فلسفه آگزیستانسیالیسم)
مریم مرتضایی، رضا اشرف زاده، بتول فخر اسلام ۹۷
- کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری
جعفر هواسی، سید احمد حسینی کازرونی، فرزانه بوسف قنبری ۱۱۷





دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
معاونت پژوهش و فناوری

فصل نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

سال دهم / شماره سی و نهم / بهار ۱۳۹۸

نمایه شده در:

www.sid.ir

پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.noormags.com

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

مقالات، نمودار آرای نویسندگان است و این فصل نامه در این زمینه، مسؤولیتی ندارد.
خواهشمند است فایل Word و Pdf مقاله تنها از طریق سایت فصل نامه ارسال گردد:

<http://jpll.iaubushehr.ac.ir>

« فصل نامه تحقیقات تشبیلی در زبان و ادب فارسی »

مدیر مسؤول: دکتر سید جعفر حمیدی (استاد)

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی

سر دبیر: دکتر سید احمد حسینی کازرونی (استاد)

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی

مدیر داخلی: سعیده ساکی انتظامی

عضو هیأت علمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد، گروه زبان و ادبیات فارسی

دکتر شمس الحاجیه اردلانی: استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

مشاوران علمی (دکتری زبان و ادبیات فارسی):

استادان: دکتر ابوالقاسم رادفر، دکتر عطاءمحمد رادمش، دکتر محمد غلام رضایی، دکتر علی محمد مؤذنی، دکتر احمد رضا یلمه‌ها

دانشیاران: دکتر علی اصغر باباصغری، دکتر منصور ثروت، دکتر فاطمه حیدری، دکتر احمد ذاکری، دکتر علی سلیمی، دکتر مجتبی منشی‌زاده

استادیاران: دکتر جمال احمدی، دکتر اصغر باباسالار، دکتر ابراهیم حیدری، دکتر علی اکبر خان‌محمدی، دکتر هادی خدیور، دکتر میراسماعیل قاضی شیراز

ویراستار فارسی: دکتر سیداحمد حسینی کازرونی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

اعضای هیأت تحریریه: گروه زبان و ادبیات فارسی (به ترتیب حروف الفبایی):

دکتر نصرالله امامی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران - اهواز

دکتر کاووس حسن لی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

دکتر سید احمد حسینی کازرونی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

دکتر سید جعفر حمیدی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

دکتر احمد خاتمی: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دکتر کاظم دزفولیان: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید بهشتی - تهران

دکتر عباس کی منش: استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

ناشر: معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

پست الکترونیک: sahkazerooni@yahoo.com

تلفن سردبیر: ۰۹۱۲-۱۰۰۴۳۵۴

پست الکترونیک: ssentezami@gmail.com

تلفن مدیر داخلی: ۰۹۱۲-۰۱۴۷۷۱۵

راهنمای نگارش و شرایط پذیرش مقاله

- این فصل‌نامه با شرایط زیر، در مباحث تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، مقاله می‌پذیرد:
۱. مقاله‌های فرستاده شده، در نشریه دیگری چاپ و یا به سایر مجله‌های داخلی و خارجی ارسال نشده باشد. ضمناً گرایش مقالات فقط در تحقیقات زبان و ادب فارسی است و با رویکرد تمثیلی است.
 ۲. هیأت تحریریه در رد یا قبول و ویرایش ادبی و کوتاه کردن مطالب، آزاد است.
 ۳. حق چاپ، پس از پذیرش برای «این فصل‌نامه» محفوظ است و نویسندگان، نباید مقاله‌های خود را در نشریه دیگری به چاپ برسانند.
 ۴. چاپ مقاله‌ها و تقدّم و تأخر آن در بررسی و تأیید هیأت تحریریه، تعیین می‌شود.
 ۵. مقاله‌های ارسالی، باید تحقیقی و حاصل کار پژوهشی نویسنده یا نویسندگان باشد.
 ۶. اولویت در گزینش چاپ مقاله به ترتیب با مقاله‌های پژوهشی و تألیفی است.
 ۷. مسؤلیت درج گفتارها و صحت مطالب مندرج در هر مقاله، به لحاظ علمی و حقوقی و ... به عهده نویسنده است.
 ۸. مقاله‌های مستخرج از پایان‌نامه‌ها، نخست با ذکر نام دانشجو و سپس با ذکر نام استاد راهنما بلامانع است.
 ۹. مقاله‌های دریافتی، توسط استادان متخصص داوری خواهد شد.

* ضوابط مقاله‌های ارسالی:

۱. اشعار مقاله مانند نمونه زیر در جدول قرار داده شوند:

مصطفی فرمود دنیا ساعتی است	پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتی است
(مولوی، ۱۳۷۱: د ۱، ۵۶)	

۲. چکیده انگلیسی باید مطابق چکیده فارسی باشد. (شامل اسم مقاله، اسم نویسنده(گان)، سمت نویسنده(گان)، متن چکیده، کلمات کلیدی).
۳. مقاله، باید شامل چکیده فارسی و انگلیسی (در حدود) ۱۰ سطر - حدود ۱۶۰ کلمه، واژگان کلیدی (سه تا ۵ واژه)، مقدمه، پیشینه، بیان مسأله، سوالات تحقیق، اهداف، روش تحقیق، نتیجه و فهرست منابع و مأخذ باشد. ضمناً آدرس پست الکترونیکی و شماره تلفن همراه نویسنده در پایین چکیده‌ها درج شود.
۴. در صفحه اصلی مقاله، برای درج مشخصات، بدین گونه عمل شود:
 - عنوان کامل مقاله (در وسط صفحه)
 - نام نویسنده یا نویسندگان. (در سمت چپ صفحه، در دو نیمه سطر)
 - رتبه علمی و نام دانشگاه یا مؤسسه محل اشتغال.
 - نشانی کامل نویسنده، شامل: نشانی کامل پستی، شماره تلفن، دورنگار، پست الکترونیکی.

۶. محدوده نقل قول‌ها و ذکر نوشته‌های دیگران باید در درون گیومه قرار داده و پس از آن آدرس درون متنی در پرانتز درج شود.

۷. ارجاعات در متن مقاله، در درون پرانتز و بدین گونه تنظیم گردد: (نام خانوادگی مؤلف، سال انتشار:)، برای مثال: (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۷: ۱۴) ۸. در مقاله به پیشینه پژوهش اشاره شود.

۹. منابع و مأخذ، در پایان مقاله، به ترتیب حروف الفبایی و بدین گونه تنظیم گردد:

الف - کتاب: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، نام کتاب. شماره ج. نام مترجم یا سایر افراد همکار. محل نشر. نام ناشر، چ ...

ب - مقاله: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام مترجم یا سایر افراد دخیل. نام نشریه. دوره یا سال. شماره نشریه. شماره ص (:)

ج - مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام گرد آورنده یا ویراستار. نام مجموعه مقالات. محل نشر. نام ناشر. شماره ص (:)

د - پایگاه اینترنتی: نام خانوادگی، نام. تاریخ دریافت از پایگاه اینترنتی. عنوان مطلب. نام پایگاه و نشانی پایگاه اینترنتی به خط ایتالیک.

ه - لوح فشرده: نام خانوادگی، نام. سال انتشار. عنوان مطلب. نام لوح فشرده. محل نشر. نام ناشر.

۱۰. معادل مفاهیم و نام‌های خارجی در پرانتز روبروی کلمه فارسی یا در زیر همان صفحه یا در پایان مقاله با عنوان پی‌نوشت، ذکر شود.

۱۱. نمودارها، جدول‌ها و تصویرها در صفحات جداگانه ارائه و عنوان‌های مربوطه، به صورت گویا و روشن در بالای آنها نوشته شود.

الگوی فنی تنظیم مقالات

متن فارسی با قلم بی لوتوس (B lotus) و متن عربی با قلم بدر (Badr) یا Traditional Arabic) نوشته شود.

اندازه قلم‌ها به شرح زیر باشد:

- عنوان مقاله با ۱۶ سیاه
- کلمه چکیده با ۱۳ سیاه
- کلمه کلید واژه‌ها با ۱۳ سیاه
- متن چکیده و کلید واژه‌ها با قلم ۱۲ نازک
- عناوین اصلی و فرعی در متن با قلم ۱۳ سیاه
- متن مقاله با قلم ۱۳ نازک
- ارجاعات در داخل متن و بین دو پرانتز (کمان) با قلم ۱۱ نازک
- کلمات و حروف لاتین به خاطر هماهنگی با متن، با قلم ۱۱
- تمام ارجاعات داخل متن، به جز کلمه همان، غیر ایتالیک نوشته می‌شود. و کلمه همان ایتالیک نوشته می‌شود. نحوه ارجاع نیز به این صورت نوشته می‌شود: (اسم نویسنده، و شماره صفحه).
- منابع با قلم ۱۱ نازک نوشته شود. به این ترتیب: (نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده، سال، عنوان کتاب، محقق (مترجم) کتاب، مکان انتشار: ناشر، چاپ)

آدرس وب سایت دکتر سید احمد حسینی کازرونی

www.sahkazerooni.ir

بعد از تایید مقاله باید بر روی سایت مجله بارگذاری شود و اطلاعات تمام نویسندگان در سایت ثبت گردد.

فهرست مطالب

سخن سردبیر ۶

تحلیل تمثیل‌های نمادین اسب در شاهنامه فردوسی

حسن تاجیک محمدیه، عطا محمد رادمنش، مهرداد چترایی ۸

رویکرد تمثیلی صائب تبریزی در بیان ویژگی‌های انسان سالم از منظر روان‌شناسان انسان‌گرا، با
تکیه بر دیوان غزلیات شاعر

بهزاد پوررضاییان، سید احمد حسینی کازرونی، سید جعفر حمیدی، عزت‌دیره ۲۸

بررسی تمثیلات اخلاقی کلیله و دمنه در تبیین هدف از طبابت

اکبر ساجدی ۵۸

گذری بر تمثیل در مثنویهای طالب علی خان لکهنوی، متخلص به عیشی

زیبا فلاحی، مهرداد چترایی، مریم محمودی ۷۹

"از بودن تا شدن" در حکایتی تمثیلی از مثنوی (بررسی تطبیقی «حکایتی تمثیلی» از مثنوی، با
مفهوم «انسان در مسیر بودن تا شدن» در فلسفه اگزیستانسیالیسم)

مریم مرتضایی، رضا اشرف زاده، بتول فخر اسلام ۹۷

کاربرد نماد و تمثیل در شعر عطار نیشابوری

جعفر هواسی، سید احمد حسینی کازرونی، فرزانه یوسف قنبری ۱۱۷

به نام خداوند جان و خرد

سخن سردبیر

ما درس سحر در ره میخانه نهادیم
در خرمن صد زاهد عاقل زند آتش
سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد
در دل ندهم ره پس از این مهر بتان را
تا روی در این منزل ویرانه نهادیم
در خرقه از این بیش منافق نتوان بود
مهر لب او بر در این خانه نهادیم
چون می رود این کشتی سرکشته که آخر
بنیاد از این شیوه رندانه نهادیم
المنه لله که چوپانی دل و دین بود
جان در سر آن گوهر یک دانه نهادیم
آن را که لقب عاقل و فرزانه نهادیم
یا رب چه گدا همت و بیگانه نهادیم
حافظ نامه بهاء الدین خرمشاهی.

ج ۲ ص ۱۰۳۲ : غ ۱۸۹

بهار است و روزگار شکوفایی گل و نغمه قمری و بلبل، سایه سار ابر نیسان و صفای باران و گلگشت چمنزاران، سر سبزی سیمای طبیعت و زایش و رویش لاله ها، کاهش تیرگی شبانگاهان و فزونی روشنایی و درخشانی آفتاب، باروری دشت و دمن و بی تابی شیدایان و زمزمه دلبران گل و یاسمن، روانی جویباران و آب شدن برف و یخ کوهساران.

بر آستان جانان گر سر توان نهادن
گلبانک سربلندی بر آسمان توان زد
بر جویبار چشم گر سایه افکند دوست
بر خاک ره گذارش آب روان توان زد

حافظ، دیوان : ۹۰

این جاست که دل ها به وجد می آید و زمین و زمان ندای شادی سر می دهند، سازها به صدا در می آید و شاعران نغمه سرایی می کنند و نویسندگان در خلق مضامین بدعت پردازی.

عشق و شباب و رندی مجموعه مراد است چون جمع شد معانی گوی بیان توان زد
حافظ: همان

بهاران، اندیشه های نوین آدمیان را در فراسوی زمان صیقلی داده، گشایش خاطرها را طراوتی
خاص می بخشد و راز و رمز بدعت ها را عیان می سازد.

چو شاهدان چمن زیر دست حسن تواند کرشمه برسمن و جلوه بر صنوبر کن
حافظ، به نقل از حافظ نامه، ج ۲ (۱۳۶۸): غ ۲۰۶

در بهاران ۱۳۹۸ خورشیدی، سی و نهمین شماره فصل نامه تحقیقات تمثیلی زبان و ادب
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر با درج شش مقاله علمی پژوهشی حضور
اندیشمندان و پژوهشگران عرصه زبان و ادبیات فارسی عرضه می دارد.
امیداست به یاری خداوند بزرگ در سال جدید با دریافت مقالات بدیع و ارزشمند بتوانیم در
ارتقای این نشریه علمی دانشگاهی بیش از پیش موفق و انتظار ارزندگان ادب را برآورده
سازیم.

باده و مطرب و می مهیاست ولی عیش بی یار مهیا نشود یار کجاست؟
حافظ، چ سایه، به نقل از گلبنگ یربلندی
(۱۳۷۹) سید احمد حسینی کازرونی و سید جعفر حمیدی

با احترام
سید احمد حسینی کازرونی
استاد زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر
بهار ۱۳۹۸



فصل‌نامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر

شماره سی و نهم - بهار ۱۳۹۸ - از صفحه ۷۹ تا ۹۶

گذری بر تمثیل در مثنویهای طالب علی خان لکهنویی، متخلص به عیشی

زیبا فلاحی^۱، مهرداد چترایی^{۲*}، مریم محمودی^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان،

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران.

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، دهقان، ایران

چکیده:

تمثیل یکی از مهمترین و کهن ترین شیوه‌های بلاغی در ادب فارسی ایران و فرهنگ اجتماعی جهان است. به دلیل ظرفیت معنایی و کاریزمای گفتمان؛ حجم بزرگی از ادبیات تعلیمی را پوشش می‌دهد. در این مقاله ضمن معرفی نسخه‌ی خطی "کلیات دیوان طالب علی خان متخلص به عیشی" نمونه‌های تازه‌ای از تمثیلات داستانی و شعری را از متن آن می‌آوریم. نسخه خطی این دیوان، به خط نستعلیق کتابت شده است. از ذکر تحمیدیه‌ها و مناقب اهل بیت و بسیاری از ائمه اطهار (علیه السلام) می‌توان فهمید که طالب علی خان (عیشی) شاعری متدین و در مذهب شیعه‌ی اثنی عشری، با مشرب عرفانیست. این تحقیق که به روش تحلیلی-کتابخانه‌ای انجام شده، تمثیلات در مثنوی ۲۱۶۱ بیتی عیشی را بررسی نموده است. بیش از ۲۰۰ تمثیل در نسخه وجود دارد، و مهم‌ترین آن‌ها مثنوی "چهار دوست" است که به عنوان داستان تمثیلی به آن پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: تمثیل، طالب علی متخلص به عیشی، داستان تمثیلی، مثنوی

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۵

* پست الکترونیک نویسنده مسؤول: m_chatraei@yahoo.com

adab_111@yahoo.com

m.mahmoodi75@yahoo.com

۱- مقدمه

نسخه‌های خطی فارسی از شبه قاره، مانند سایر نسخ فارسی در زمینه ادبیات، منبعی غنی، از معارف انسانی و معانی و بیان را در بر می‌گیرند. بسیاری از شاخصان فرهنگ و ادب در همسایگی ایران، با به جا گذاشتن آثاری ارزشمند سبب پربار شدن زبان فارسی شده‌اند. این بزرگان به زبان فارسی عشق ورزیده، آن را با فنون ادب پرورده؛ با خود به مرزهای جهانی برده‌اند. تمثیل از جمله فنون مورد علاقه آنها بوده است. تمثیل یکی از قدیمی‌ترین فنون بلاغی در آموزش و بیان اخلاقیات و عرفان است. طالب علی خان لکهنوی؛ شاعر و نویسنده قرن سیزدهم از شبه قاره، تمایل فراوانی به انتقال مفاهیم معنوی از طریق تمثیل داشته است. در این مقاله، شیوه پرداختن به تمثیل در نمونه‌ای از حکایات و ابیاتی که حاوی تمثیل هستند بررسی می‌گردد. این مقاله بر آن است که ضمن بررسی مثنوی‌های این شاعر؛ به سؤالات زیر پاسخ دهد:

الف) ظرفیت‌های معنایی تمثیل کدام اند؟

ب) نمونه‌های تمثیل در شعر عیشی چگونه‌اند؟

ج) مهم‌ترین حکایات تمثیلی در مثنوی‌های عیشی کدام است؟

۱-۱- ضرورت و اهداف تحقیق:

شاعران شبه قاره، زبان فارسی را مادر زبانهای آن منطقه می‌دانند. طالب علی خان، متخلص به عیشی از جمله شاعران قلمرو هند و پاکستان است که تا کنون دیوان وی؛ و از جمله تمثیلات عرفانی و شیوایش که سیاق تمثیلات بلندآوازه‌ی ایران را به خود گرفته؛ گمنام مانده است. این پژوهش علاوه بر اینکه نسخه‌ی اصل دیوان شاعر را برای نخستین بار گشوده است؛ سبک بیان تمثیلی وی را مشخص می‌نماید و به فرهنگ تبادل ادبی با کشورهای همسایه، استغنایی خاص می‌بخشد. هدف پژوهش، آشنایی با این اثر و سراینده آن، و بررسی نمونه‌های شعری و داستانی تمثیل، در مثنوی‌های طالب علی خان لکهنوی است.

۲-۱- روش تحقیق:

پس از یادداشت برداری از متن نسخه، و دسته بندی تمثیلات، به سبب محدودیت در نگارش تنها به نمونه‌هایی از زیباترین تمثیلات شعری و داستانی، اکتفا نموده‌ایم. شیوه تحقیق تحلیلی- کتابخانه‌ای و سندآوریهای بین متنی است. ذکر این نکته ضروریست؛ که چون هیچ اثری از نوع تمثیل نویسنده، چه به زبان مؤلف و چه به زبان فارسی (به جز دو مقاله به زبان پاکستانی آن هم زندگینامه و اندکی از مهارتهای شعرونثرش، که در این گفتار مطالعه شده)؛ تا کنون انجام نشده است؛ نگارندگان با استناد به نسخه اصل؛ برای نخستین بار، موضوع تمثیل را در مثنویهای عیشی در این مقاله، به دانش پژوهان و دوستداران ادب فارسی شبه قاره؛ ارائه می‌نمایند.

۳-۱- پیشینه پژوهش

این تحقیق به جستجوی تمثیل در مثنوی‌های طالب علی خان لکهنوی متخلص به عیشی می‌پردازد. منبع تحقیق؛ نسخه خطی کلیات شعر و نثر مؤلف است. نسخه خطی "کلیات دیوان طالب علی لکهنوی متخلص به عیشی" به شماره ۱۶۳۴۲/۶۷۶ سنه ۱۲۳۲ ه.ق؛ تنها نسخه موجود در کتابخانه شورای ملی؛ به دلیل گمنامی و دور از دسترس بودن در ایران تا کنون نا شناخته مانده است، و هیچ تحقیق؛ مقاله یا سند مکتوب شفاهی فارسی جز در فهرست‌های نسخ فارسی در حدود معرفی؛ چیزی از آن یافت نشده است. اما به زبان اردو، گفتاری کوتاه با عنوان "طالب علی عیشی" متعلق به سید محمود حسن قیصر آمروهوری (کتابخانه رضا، رامپور، هندوستان)؛ چاپ شده در مجله «معارف»، دارالمصنفین، شهر اعظم‌گر، هندوستان، در دو بخش؛ بخش اول؛ شماره ۴، جلد ۵، آوریل ۱۹۶۰، صفحات ۲۶۱-۲۷۳ پژوهش تولد (۱۱۹۷) وفات (۱۲۳۶؛ ۱۲۳۴؛ ۱۲۴۰ در نوسان) نگارش یافته است. بخش دوم مقاله، شماره ۵، جلد ۵، می ۱۹۶۰، صفحات: ۳۸۰ تا ۳۸۹ نام ۶ استاد زبان اردو به نامهای: مصحفی نواب مصطفی خان شیفته؛ عبدالعلیم نصرالله خان ائیم؛ نواب سید علی حسن خان؛ کیفی چریا کوتی و خواجه محمد عبدالرؤف عشرت که این گفته در مورد طالب علی عیشی لکهنو از اوست. تاکنون هیچ منبعی از تحلیل تمثیل روی این نسخه در هیچ کجا انجام نگرفته است.

۴-۱- معرفی طالب علی لکنو (لکنو) یی

عیشی لکنوی، میان طالب علی خان فرزند میان علی بخش لکنو (۱۱۹۳ ق - ۱۲۴۰ ق) شاعر و نویسندۀ شبه قاره، پدرش از موالی الماس علی خان، خواجه سرای بارگاه آصف الدوله بهادر بود. عیشی به فارسی و هندی شعر می‌سرود و در نثرنویسی نیز مهارت داشت، وی شاگرد میرزا محمد حسن قتیل لاهوری (۱۲۳۳ ق) و قتیل به هنگام مرگ او را جانشین خود در شعرگویی معرفی کرده بود. نمونه‌ای از اشعار عیشی در صبح گلشن، خوش معرکه‌ی زیبا و ریاض الفصحا آمده است. عیشی دیوان یا کلیاتی دارد، که در هفت موضوع نوشته شده است: مدایح و قطعات، وصف شکار که مثنوی در شکار نواب سعادت علی خان است، مثنوی جنگ فیلان، چهار دوست، داستان نجار، خیاط، زرگر و عابد که باهم دوست بودند، مثنوی بزمی، جنگ نامه‌ی رستم الملک در رویداد جنگ رستم الملک که عیشی ستایشگر او بوده است. مثنوی اخلاقی. مذهب عیشی همانگونه که از قصاید و تحمیدیه هایش بر می‌آید، شیعه‌ی اثنی عشری است.

عیشی در ۱۱۹۷ متولد شده و در ۳۵ سالگی "دیوان اردو" و "کلیات فارسی" سروده است. به گفته‌ی استادان زبان "اردو" عیشی ترکیب‌های زیاد فارسی به کار برده است، اما ذره‌ای در فصاحت اردو تفاوتی ایجاد نکرده است. (رک چریا کوتی، ۱۹۶۰، صفحات ۳۸۰-۳۸۹) در وفات عیشی مؤلف «صبح گلشن» نوشته است که "عیشی به دلیل بیماری طاعون در ۱۲۴۰ هجری درگذشت و چهار ساعت بعد همسرش هم از دنیا رفت. عیشی هنگام وفات ۳۴ سال داشت. مؤلف «آب بقا» نوشته است که او در ۱۲۶۰ هجری درگذشته است. اما این درست نیست. چون در هیچ منبعی، حیات عیشی تا ۱۲۶۰ هجری ذکر نشده است و ممکن است خطای کاتب بوده باشد. (قیصر آمروهوی، ۱۹۶۰: ۲۶۱-۲۷۳)

۴-۱-۵- تمثیل و ظرفیت‌های معنایی آن:

بسیاری از صاحب نظران علوم بلاغی در آثار خود، تمثیل را با ظرفیت‌های گوناگون تعریف کرده‌اند در زیر به نمونه‌های این تعبیر که پر تکرار نیز هستند اشاره می‌شود:

- از دیدگاه علمای بلاغت، تمثیل شاخه‌ای از تشبیه و استعاره است. (حسینی کازرونی، ۱۳۹۴: ۱۴)

- تمثیل «تشبه حالی است به حالی از رهگذر کنایه، بدین گونه که خواسته باشی به معنایی اشارت کنی و الفاظی به کاربری که برمعنایی دلالت دارد، اما آن معنی، خود مثالی باشد برای مقصودی که داشته‌ای». (شمس قیس به نقل از حسینی کازرونی، ص ۱۶) تمثیل‌های عیشی اغلب بر همین مصداق تعریف می‌شوند. فتوحی از قول جرجانی، سکاکی، خطیب قزوینی و جمهور بلاغیان تمثیل را نوعی تشبیه آورده که وجه شبه مرکب از امور متعدد باشد. (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۲۵).

- تمثیل گاهی به «اسلوب معادله» تعبیر می‌شود؛ یعنی معادله‌ای که یک سوئی آن مشبه مرکب و سوی دیگر، مشبه به مرکب است. در حقیقت تشبیه تمثیل، تشبیه مرکبی است که ادات تشبیه ندارد و ممکن است در آن مشبه به بدون مشبه؛ به کار رود (آقاحسینی، ۱۳۶: ۱۳۹۴).

- اهل منطق، تمثیل را اثبات یک واحد در یک قضیه جدی به واسطه ثبوت آن در جزئی دیگر با اولی معنی مشترک دارد و فقها این را قیاس می‌خوانند و جزء دیگر اول را فرع و جزء دوم را اصل و معنی مشترک بین این دو را علت و جامع می‌گویند (حسینی، ۱۳۶۷: ۱۸).

فتوحی تمثیلها را پس از آن که از خانواده استعاره مرکب شمرده (ص ۲۵۳)؛ به تبع بلاغیون قدیم آن‌ها را از خانواده مجاز و استعاره و نوعی مجاز مرکب به علاقه شباهت (استعاره تمثیلیه) خوانده، به انواعی از: تمثیل داستانی، و از نظر محتوا به تمثیل اخلاقی، سیاسی یا تاریخی، تمثیل اندیشه، تمثیل رمزی، تمثیل رؤیا، و از لحاظ صورت به مثل، اسلوب معادله، حکایت حیوانی و حکایات انسانی و مثالک تقسیم نموده است. (ر.ک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۵۳-۲۶۹).

۲- تمثیل در مثنوی‌های طالب علی خان:

طالب علی خان متخلص به عیشی، شاعر و نویسنده قرن سیزدهم از شبه قاره به دلیل مهارت در پرورش معانی بلند در زمینه های اخلاقی- اجتماعی و عرفانی، از شگرد تمثیل با تعبیر ارسال المثل، حکایت، مثل و ضرب المثل استفاده نموده است. این شاعر و نویسنده توانا، بیش از ۲۱۶۱ بیت مثنوی سروده است. وی تمثیلات خود را در انواع ادبی گوناگون با کارکردهای زیر گنجانده است: ۱۳۱ بیت در وصف شکار ۱۳۷ بیت جنگ فیلان، ۲۲۴ بیت مثنوی چهار دوست (حقیقت و مجاز) مثنوی بزمی ۲۰ بیت، مناجات ۲۱ بیت، نعت احباب رسالت مآب ۱۳

بیت، صفیر سنجی بلبل قلم، در ذکر نیرنگ سازی گلشن عشق ۲۱ بیت، ترانه سنجی در هوای مطرب و ساقی ۳۸۴ بیت، انواع حکایات اخلاقی و عرفانی ۱۴ حکایت جمعاً ۲۹۲ بیت، مثنوی در بی‌مهري ابناء روزگار ۳۷ بیت، مثنوی در بیان تب ۴۱ بیت، مثنوی در هجو فصاد ۳۲ بیت، مثنوی در بحر و ردیف قافیه گریهای سعدی ۱۷۲ بیت، در هجو پشه ۲۶ بیت، در مدح رستم الملک ۸ بیت، در نعت رسول (ص) ۳ بیت، مثنوی رزمی رستم از آغاز داستان تا پایان ۲۲۴ بیت، در تهنیت عید رستم الملک ۲۳۲ بیت.

در این تحقیق؛ بیش از ۲۰۰ تمثیل و انواع آن فیش برداری شده است. که به دلیل محدودیت مقاله تنها به ذکر نمونه‌هایی از بهترینها، اکتفا می‌نماییم. کاربرد انواع تمثیل در اشعار طالب علی لکهنوی متخلص به عیشی فراوان است و اغلب از نوع تشبیه، بنا به تعریف "تمثیل خاص" و با نظر جرجانی در اسرارالبلاغه، که تمثیل را در نهایت، همان مثل نامیده (فتوحی، ۱۳۸۵:۲۵۷) و گاهی که وجه شبه آن عقلی و غیرحقیقی، منتزع از امور متعدد است؛ موافق نظر سکاکی در مفتاح العلوم (همان)، می‌آورد. در مواردی عیشی با نظر خطیب قزوینی، که در تعریف بلاغی فتوحی (همان: ۲۵۷ و ۲۵۸)، تمثیل از خانواده مجاز و استعاره تمثیلیه، یعنی مجاز مرکب با علاقه شباهت است؛ به استعاره تمثیلیه اقتدا می‌نماید. همان طور که گفتیم؛ همهء بلاغیون مجاز مرکب بالاستعاره را که معمولاً یک جمله مرتب شده است؛ در صورتی که شبه یا مستعارله آن حذف شود؛ و وجه شبه امور متعدد باشد استعاره تمثیلیه می‌نامند. محمد علوی مقدم و رضا اشرف زاده در کتاب معانی بیان خود نوشته‌اند: "هرگاه شبه یا مستعارله حذف شود و شبه به یا مستعارمنه مذکور به صورت جمله باشد، و وجه شبه یا جامع نیز صورت و هیأتی منتزع از امور متعدد باشد، استعاره تمثیلیه خواهد بود. در این نوع استعاره آن گاه که جمله شبه به یا مستعارمنه به درجهء شیوع و شهرت رسیده باشد، بدان مثل می‌گویند. (محمد علوی مقدم و رضا اشرف زاده، ۱۳۷۹:۱۲۷). این نویسندگان "برآب گره بستن و تخم بر شوره فشاندن و خشت بر دریا زدن و ... را که استعاره از کار بیهوده است؛ مثالی برای تعریف استعاره تمثیلیه ذکر نموده‌اند. در دیوان عیشی، این نوع تمثیل فراوان است. در زیر نمونه‌ها را بررسی می‌کنیم:

- نعل خورشید در آتش افکندن، استعاره از بیقراری:

خدنگِ تارِ او را صیدِ ناهید ز رخسارش در آتش نعلِ خورشید
(کلیات: ۱۷۹)

- طشتِ ماه از بام افتادن استعاره از حقیر و بی رونق شدن:
کمر در خدمتش بر بسته بهرام بشوقش طشتِ ماه افتاده از بام
(کلیات: ۱۷۹)

- مهره در ششدر شدن، استعاره از به بن بست و بیچارگی و گرفتاری افتادن:
بَرَد دل جلوهء حسنتِ مَلک را به شوق مهره در ششدر فلک را
(کلیات: ۱۸۰)

لازم به ذکر است؛ بسیاری از بزرگان معانی و بیان؛ این جملات که مشبه به هستند را " کنایه " نام نهاده‌اند. اما؛ در این ابیات به دلایل زیر استعاره و تمثیلی نامیده شد:
الف) طبق تعاریف نقدینو؛ بوطیقای متن و صفحه، ملاک نقد؛ جمله یا واحد گفتار است؛ منتقد پیشرو، با حضور در متن؛ وبا رجوع به پسامتن و پیشامتن؛ بار دیگر آن را زندگی هم نشینی با بافتهای دیگر متن داده؛ روح متن را تعالی می‌بخشد. ویتگشتاین معتقد است: "مفاهیم در متن همانند رشته‌های مرکب از الیاف‌اند که قوت هر کدام بسته به دخالت الیاف‌های دیگر است." (wittgenstein, ۱۹۵۳: ۳۹-۳۰).

ب) طبق آنچه شمیسا آورده است، طشت از بام افتادن، در ششدر افتادن، نعل در آتش افکندن، " همه قابلیت تأویل دارند. چنانکه او و دیگران آورده‌اند؛ حضور این متنهای کنایی؛ رخدادی داستانی را در خود تجربه کرده‌اند. در نقد نو، بوطیقا هنر ادبی اثر را دنبال می‌کند. بوطیقا از زمان ارسطو یعنی: "بررسی ادبیات در مقام آفرینش کلامی" (ایرنا ریما مکاریک؛ ترجمه: مهاجر و نبوی، ۱۳۸۴: ۶۵). بوطیقا با نظر به ساختار ادبی؛ نحوه تحول و تکوین اثر را معین می‌کند. از نظر تودوروف: "مطالعه آفرینش پدیده‌های ادبی و تغییر و تحول مداوم آنها را پوتیک (poetique) می‌نامیم." (تودوروف ۱۰۳: ۱۳۸۲) "مهره در ششدر شدن فلک" داستانش منشاء در حرکت مهره در

بازی نرد دارد که "شش خانه که بر یمین و یسارِ هرتخته باشد و دوازده خانه می‌شود، هرگاه مهره در میان دری که در منتهای تخته است؛ بندگردد، از شش خانهء جانب خود به هیچ خانه رفتن نتواند و رهایی آن بدون رهایی دادن حریف دیگر محال باشد." (سجادی، جلد اول، ۹۱: ۱۳۷۴). سجادی آن را به صورت "ششدر سخا"، "ششدر امتحان"، در شعر خاقانی، به عنوان اضافه‌های استعاری به کار برده است (همان). و نیز "طشت از بام افتادن" را شمیسا در فرهنگ اشارات آورده؛ در گذشته: "بام‌ها حکم حیا را داشت و طشت در آنجا بود و ممکن بود در تاریکی پای کسی بدان بخورد و طشت از لب بام به زیر افتد." (شمیسا، ج دوم، ۸۵۹: ۱۳۸۷). با این توضیحات؛ مرجع هر کدام از این جمله‌های به اصطلاح کنایی، قصه‌ای قدیمی در پس زمینه ما چرا دارد که به مرور تحول معنایی یافته‌اند. هر ش معتقد است: "ناقد قبل از داوری باید تأویل گره‌ها با شد." (ر.ک. Hirsch، ۱۷: ۱۹۶۷). پس این جملات؛ تأویل به متن آداب، آیین و رفتاری اجتماعی هستند؛ که به مرور تکرار؛ بر سر زبانها افتاده و تبدیل به "مَثَل" شده‌اند.

ب) سومین دلیل تمثیل بودن این جملات، آن است که طبق تعریف، کنایه یک معنی دور و یک معنی نزدیک دارد، مثلاً "بخیه با روی کار افکندن" دیگر قصه‌ای ندارد، هر کس لباسش بخیه داشته باشد یا عمل جراحی انجام داده باشد، معنی نزدیک، و "رسوا شدن" که کشف معنا نتیجه فعالیت ذهن است؛ معنی دور و کنایه همین هست. یا "سرکیسه به بند گندنا بستن" کسی این کار را نمی‌کند، در واقع این کشف و خلاقیت زبانی و اندیشگی شاعر (مؤلف) بوده است، که به جای ریسمان، واژه گندنا را به کار برده است؛ که "سست کردن سرکیسه" را از آن خواسته، و کنایه به سخاوت دارد. یا کنایه "سپه کاسه" به دهر زدن که روزگار را بخیل توصیف کنیم. این‌ها جملاتی اختراعی و ابتکاری اند. اما در "استعاره تمثیلی، یک مصرع، مشبه به است، که برای مشبه خود معنی شده و تمثیلی از آن است. لذا عباراتی چون: "ز رخسارش در آتش نعل خورشید"، "به شو قش طشت ماه افتاده از بام"، "به شوق مهره در ششدر فلک را" همه محمل روایی و تمثیلی دارند و خلق الساعه و ابتکاری نیستند. علیپور به نقل از آلسن (olsen)، از نظریه پردازان نقد نو، که هویت شناسی و تأویل را دو مرحلهء نفوذ به لایه‌های متن می‌داند، می‌نویسد: «آلسن معتقد است، در هر اثر، عمد و قصدی است که آن را نمی‌توان از تجربیات مؤلف و خواننده جدا کرد». (علیپور، ۱۹۷: ۱۳۹۴). در این مثالها، به گونه‌ای

مهره، طشت و نعل از پیشامتن خود به عاریت گرفته شده‌اند و هرکدام حالت تمثیلی دارند.

۲-۱- تمثیل‌های داستانی و روایی:

عیشی در ۱۴ حکایات خود از تمثیل استفاده نموده است که نمونه‌هایی از آن را در این گفتار می‌آوریم:

در داستان چهار دوست؛ طالب علی خان از «تمثیل رمزی» با ملقمه ای از تمثیل رؤیا در انتقال درک و دریافت باطنی خود به اهل معنی می‌کوشد: این داستان ۲۲۴ بیتی؛ حکایت چهار دوست در لباس نجار، خیاط، زرگر، و عابد است. این چهار شخصیت در جریان سیال داستان به معنی شغلی خود نائل می‌آیند. چهار دوست سپس عزم سفر می‌کنند و چون بوی گل به غربت دل می‌نهند، به مزرعه‌ای می‌رسند که:

لباسِ خضر در بر هر گیاهش مسیحا دم نسیم صبح گاهش

(کلیات: ۱۴۲)

هر یک؛ بسته به همت خود به کاری پرداختند. در این میان کار اصلی را نجار انجام داد:

ز چوب خشک تصویری تراشید که گشت آینه دار ماه و خورشید

(کلیات: ۱۴۴)

این تصویر مجاز در ذهن سه دوست دیگر تبدیل به حقیقت می‌شود. تصویر جان می‌گیرد و در چشم زرگر، آن نقش زیبا، دیگر تصویری صرف نیست؛ بلکه؛ جسمی است که به بیرون؛ روح و هستی می‌بخشد. عینیت بخشی نجار از سوی سه دوست دیگر ادامه می‌یابد، به گونه‌ای که زرگر به همت خود، برایش حلقه و خلخال می‌سازد و هرکدام از خیاط و عابد نیز، دعوی عشق ورزیدن نمودند. به قاضی رجوع می‌کنند، قاضی نیز شیفته آن طرح شگفت آور می‌گردد. در واقع این چهار دوست، تمثیل رمزی چهار طبع سرکش آدمی هستند که در اعتدال مزاج به هم می‌رسند؛ و مظهر شکوه موجودات و منشاء آفرینش زیبایی‌ها می‌گردند. شاعر در پایان حکایت نخل وجود آدمی را توصیف می‌کند:

چه نخلی سایه پروردش جهانی
بهار دلپذیرش غارت هوش
چو جنت معتدل یکسو هوایش
ز رفعت بر زمین خُود آسمانی
بشاخ سدره، شاخش دوش بر دوش
جهان را ساز و برگ از هر گیاهش
(کلیات: ۱۵۳)

انسان را متوجّه اصل و فرع خویش نموده؛ وی را از غفلتِ «خاک» بودن آگاه می‌سازد:
الا ای نقش موهوم فنا دل
مشو از اصل و فرع خویش غافل
(همان: ۱۵۴)

رجوع آخر به سوی خاک داری
سزد همچون تویی را خاکساری
به اصلت اتّصالی ساز حاصل
به دریا قطره‌ات را ساز و اصل
(همان)

در این تمثیل رمزی، شاعر در اسرار را به روی مخاطب می‌گشاید:
تو را گر صد زبان چون غنچه دادند
در اسرار بر رویت گشادند
(همان)

تمثیل رؤیا، سفری است که: «محتوای آن نوعی آگاهی باطنی از سلوک معنوی، تجربه‌ی تنهایی و زیارت است و شباهت به معراج نامه‌ها دارد». (فتوحی، ۱۳۸۵: ۲۶۶). اما در تمثیل رمزی که در فرنگی به آن الگوری (allegory) می‌گویند، "ظاهر متن به منزله‌ی حجابی است؛ که معنی و مقصود مورد نظر نویسنده یا شاعر در زیر آن پنهان است و نویسنده خود هیچ اشاره صریحی به معنی مکتوم در متن نمی‌کند یا به عبارت دیگر؛ خود به تفسیر متن و رمزهای آن نمی‌پردازد. معمولاً آنچه خواننده را به فعالیت ذهنی برای کشف معنی مکتوم برمی‌انگیزد؛ یا دعوتی است که نویسنده خود به نوعی از خواننده برای این کار به عمل می‌آورد، یا همان رگه‌های عدم واقعیت در متن است که ظن وجود معنی مکتوم را در خواننده برمی‌انگیزد. این تمثیل را به

علت آن که در آن شخصیت‌ها؛ حیوانات و اشیا؛ نماینده اشخاص یا مفاهیم یا اشیایی دیگر هستند و بر معنی حقیقی و متعارف خودشان دلالت ندارند؛ به طور کلی "تمثیل رمزی" نامیده‌اند. (تقی پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۲۲۷) لذا در داستان چهار دوست، هر کدام از شخصیت‌ها، نجار، خیاط، زرگر و عابد تمثیل یکی از مزاج‌ها یا عناصر اربعه هستند؛ که در یکدیگر جریان هستی را رقم زده‌اند. در این داستان تمثیلی؛ عامل آگاهی؛ خویشکاری نجار است. خویشکاری طبیعت خلاق شخصیت یا شیء هست. ارتباط کاراکترها در داستان یا قصه بدین طریق است که: "یکی از شخصیت‌های قصه از دیگری چیزی و اطلاعی کسب می‌کند، به این ترتیب خویشکاری پیشین به خویشکاری بعدی پیوند می‌خورد." (ولادیمیر پراپ، ۱۳۹۲: ۱۴۸). در این تمثیل نیز؛ نجار تصویری را بر چوب می‌تراشد و پس از اتمام نقاشی خود می‌سراید:

چو سرتا پا شد آن تصویر موجود	نخستین هوش از نجار بر بود
خوشا نقشی که از حسن صفایش	دل نقاش هم گردد فدایش
بگفتش خامه قدرت بر اینکار	به آواز بلند "احسنت" صد بار

(کلیات: ۱۴۴)

سپس از طریق همین تصویر، دیگر شخصیت‌های داستان زاده می‌شوند. دلیل تمثیلی بودن داستان به "آفرینش انسان با چهار مزاج یا از چهار ترکیب" تلمیح تمثیل به آیات ۴ سوره تین، ۶۴ غافر، ۳ تغابن از کتاب خدا؛ در سه بیت ذکر شده از نسخه است؛ که انسان در کمال زیبایی آفریده شده و در آیه ۱۴ سوره مؤمنون می‌خوانیم که وقتی خداوند انسان را آفریده به خود احسنت گفته است: «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم؛ بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم؛ آفرین باد بر خدا وند؛ که بهترین آفرینندگان است. و نیز تمثیل تصویر ساختن از انسان؛ بطوری که صورتگری اجزاء مشتبه نشود، در آیات پایانی سوره حشر: "هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى" در قرآن کریم "مصور" به این معنا، همراه با سایر اسماء حسنا خداوند؛

فقط یک بار آمده است. هنر عیشی در داستانهای تمثیلی، اشاره به مرزهای روانشناختی تمثیل و رمز است. در مثنوی بی مهری روزگار؛ آنجا که شاعر از ابنای روزگار خسته می‌شود، راه عزلت؛ زهد و ریاضت در گنج‌خانه تنهایی پیش می‌گیرد؛ هرچند احتمال گمراهی در تنهایی را پیش بینی می‌کند؛ حالت پارادکسی روان خود را در ترکیب استعاره تمثیلی "چراغ غول" تراوش داده؛ می‌سراید:

نمایم بعد از این ترکِ محبت
به دامن پا کشم در گنجِ عزلت
بر افروزم به تبهای شبانه
"چراغ غول" را در کنجِ خانه

(کلیات: ۲۰۶)

در نقدروایت، از دانشمندان روانکاو؛ فروید "منشأ هنر را در رؤیا می‌جوید. عموماً رؤیا را شاهرایی به سوی نا خودآگاه می‌انگارد." (ایرناریم مکاریک، ۱۴۲: ۱۳۸۴). چراغ غول را در گنج‌خانه افروختن، استعاره تمثیلی از کشف آرزو و کشف رمز کردن از هستی و نوعی خودآگاهی ست. "چراغ غول" یا چراغ جادو، منسوب به علاءالدین؛ حکایتی تمثیلی است؛ که در کتاب هزار و یک شب عبدالطیف طسوجی آمده است. این چراغ در داستانهای عامیانه؛ تمثیل گنج یاب و رسیدن به آرزوهاست. مصداق این مثل که هر جا چراغی است؛ خانه و گنجی به تبع، آرزوهایی در آن نهفته است. در اینجا اما؛ شاعر برای رفتن به "ضمیر نا خودآگاه" و کشف اسرار از آن سود جسته است. گویا عیشی قانون راز و قانون جذب کائنات را در این تمثیل فرا باز می‌دهد. "در آثاری که درباره قانون راز وجود دارد؛ رسیدن به خواسته‌ها را، مانند فرآیند دستوردادن به "چراغ غول" خوانده‌اند؛ گفته می‌شود توجه داشته باشید علاءالدین است که آرزوهایش را مطرح می‌کند. آن گاه به عالم هستی با تمام عظمتش برخورد می‌کنید که همان غول است؛ و غول همیشه یک حرف را می‌زند؛ فرمانبردارم ارباب (برن، ۱۳۸۶: ۶۶). قصه‌های کودکانه چراغ غول که منشأ هندی دارند؛ برگرفته از همین تمثیل است و جنبه‌های تعلیمی آن هدف است. و اخیراً جنبه‌های تبلیغی و مارکتی "چراغ جادو و چراغ غول" بازآفرینی‌های سیاسی قصه علاءالدین و چراغ جادو؛ نیز در گزارشات و اخبار روز، انیمیشن و فیلم؛ پی یافت می‌شود. («علاءالدین» دوباره بازمی‌گردد/ ویل اسمیت در نقش غول

چراغ جادو <https://www.yjc.ir> ۱۹ مهر ۱۳۹۷). در فرضیه راز و قانون جذب؛ شیوه ارتباط با جهان هستی و فرارسی به آرزوها مورد بررسی قرار می‌گیرد. (ر.ک، شریفی دوست، حمزه، ۱۳۹۰ و حمید رضا مظاهری سیف، ۱۳۹۰). میرچالیاده با اشاره به اسناد قوم‌شناسی و فولکلوریک جیمز جرج فریزر (۱۸۵۴-۱۹۴۰ انگلستان) در اثر عظیمش به نام "شاخه‌ی زرین" (Rameau d' or)؛ دسته‌ای از باورهای ابتدایی و مردمی را که متضمن پیوندی حاکی از "همدلی" میان انسان و هرچیزی است که وی در ارتباط مستقیم با آن است، جادوی واگیردار (magie contagieuse) می‌نامد. (میرچالیاده، ۲۴۳:۱۳۸۱). اینجا داشتن چراغ جادو یا چراغ غول به عنوان یک شیء، مثل داشتن جزئی از بدن یا اعضای فرد غائب (مو، ناخن یا هر چیز دیگر) از طریق همدلی، می‌تواند؛ اراده‌اش را بر وی الزام کند. مطالعه‌ی تمثیلات عیشی نشان می‌دهد، شاعر تا چه اندازه به عمق ارزشهای قومی، فرهنگ و ادبیات مشترک هند و اروپا و نهایتاً باورهای فولکلور اقوام و اندیشه‌های عامیانه در زبان فارسی آگاهی داشته است. گاهی یک فرافکنی معنوی در تمثیلات او، دنیایی از عرفان و آفرینش را حکایت می‌کند.

در دومین حکایت با موضوع "درویش و پادشاه با مطلع:

شاهی بر ملک و مال مغرور در خامه معرفت تنش غور

(کلیات: ۱۹۴)

عیشی تمثیل قرآنی "لهو و لعب" بودن دنیا و در غفلت زیستن انسان را با نشان دادن ضعف نفسش یاد آور می‌شود. پادشاه اتفاقاً بر درویش خلوت‌گزیده‌ای گذر می‌کند. از وی می‌خواهد هر حاجتی دارد، بگوید؛ تا شاه برآورده سازد؛ درویش می‌گوید تنها حاجت من دور کردن زخم و آزار نیش پشه‌ها در شب؛ و در این خرابه عزلت است. شاه می‌پرسد فرمانده پشه‌ها بگو کیست؟ تا به او فرمان دهم از تو دور شوند. درویش خنده‌ای زده و می‌گوید: شاهی که نمی‌تواند "پشه‌ای" از کسی دور کند؛ این چه قدرتی است که ادعای شاهی بر جان و مال مردم کند؟ بدین ترتیب عیشی تمثیل و ضرب‌المثل مگسان گرد شیرینی را به پادشاه یادآور می‌شود. شاه از غفلت خود شرم‌منده شده، بیدار می‌شود و در می‌یابد که درویش به خاطر دوری از خسان و دونان به گنج قناعت و خرابه عزلت پناه برده است. شاه می‌تواند عقل

مصلحت اندیش و پشه نیز تمثیلِ نفسِ مأل اندیش باشد که شاعر در پیکرِ پشه‌ای ضعیف فرافکنی نموده است.

عیشی در حکایتِ "ترانه سنجی سخن در هوای مطرب و می" (کلیات: ۱۶۱-۱۹۲) به سبکِ ساقی نامه؛ سفری از نوع تمثیلِ رؤیا و تجربه عشق مجازی را سر می‌دهد:

سه روز و شب به صد بیتابی دل
بدینسان قطع می‌کردم منازل
جهان چون روز چارم گشت پرنور
سوادِ اعظمی پیدا شد از دور...

(کلیات دیوان: ۱۸۹)

مراحل عبور از مجاز به حقیقت نفس، رؤیت پیرِ نفس؛ تلاقی با پیر راهنما و خضر سلوک از همین نوع هستند:

ز پیری جسم آن پاکیزه درویش
بسان بید می‌لرزید بر خویش
کشیدم ناله‌ای از جان بی‌تاب
که ره گم کرده‌ام ای خضر در یاب...

(کلیات: ۱۸۶)

۳- نتیجه:

تمثیل از جمله فنون بلاغت است، که نه تنها در زبان فارسی؛ در زبانهای سایر ملل رایج است. نسخ خطی مهم‌ترین میراث مکتوب فرهنگی است؛ که بستر آفرین تمثیلات اجتماعی و تعلیمی هستند. مثنوی‌های طالب علی خان لکهنوی، متخلص به عیشی حاوی بیش از دویست تمثیل از مشترکات زبان فارسی در هند؛ پاکستان و ایران است. این تحقیق پس از بررسی به نتایج زیر در زمینه کارکرد تمثیل در شعر عیشی دست یافته است:

الف) کلیات طالب علی لکهنوی متخلص به عیشی، در همه‌ی صنایع ادبی از جمله کنایه، تشبیه و استعاره اثری پر بار است. در زمینه تمثیل که موضوع این مقاله است؛ شاعر دستی توانا داشته؛ گاهی بن مایه‌های سایر صنایع را نیز استعاره تمثیلی یا تشبیه تمثیل قرار می‌دهد.

ب) با تحقیق در حوزه معانی و بیان؛ بخش مثنوی‌های عیشی؛ مشاهده گردید شاعر گاهی در یک بیت؛ مثل یا تمثیلی گسترده را به شکلی فشرده و باظرافت زبان، در قالب استعاره تمثیلی

به کار برده است:

- برق به خرمن افتادن در مثنوی "تب": تمثیلی برای نابودی و از بین رفتن هستی آدمیست:
بدینسان سوخت از پا تا سر من که گویی برق افتاده به خرمن

(کلیات نسخه: ۲۰۷)

- "اخگر یا آتش زیر خاکستر": مثلی برای بیان اصل پنهان هر چیز یا شیء و فتنه‌ای پنهان؛
علی‌رغم ظاهری آرام؛ در کار یا فردی خاص:

چراغ اخگر افسرده جان است که از تن زیرِ خا کستر نهان است

(همان)

- "گریه کردن ابر": تمثیلی برای نهایت نگرانی، بیچارگی و بی‌کسی‌ها در زندگی:

به حال خویشتن از بیکسی‌ها چو ابرم نیست مشقِ گریه بیجا

(همان)

- "آب به آتش زدن": کاربردی برای خاموش ساختن التهاب درون و بی‌اثر ساختن آن به
انگیزه‌ء احساس آرامش:

زطوفان خیز سیلِ اشکِ بیتاب بروی آتشِ خود می‌زنم آب

(همان)

ج) زیباترین نوع تمثیل در مثنوی‌های عیشی، تمثیل داستانی ست. عیشی شاعری سالک است و عرفان و سلوک، مایه‌های اصلی شعر اوست. در داستان "چهاردوست" پیوند فلسفی چهار عنصر هستی را در کالبد بشر، با نفوذ در فطرت او شرح می‌دهد. نجار، خیاط، زرگر و عابد رمز "طلب" اند که در جمعیتی پس از پریشانی؛ به خویشکاری عشق و وحدت بعد از کثرت نائل می‌گردند.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

۱. آقا حسینی، حسین. همتیان، محبوبه (۱۳۹۴). نگاهی تحلیلی به علم بیان، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
۲. ایرنا ریما مکاریک (۱۳۸۴). دانش نامه نظریه‌های ادبی معاصر. ترجمه: مهاجر، مهران و نبوی، محمد، تهران: نشر آگه.
۳. برن، راندا (۱۳۸۶ ش). راز. ترجمه: مهدی قراچه داغی. تهران: پیکان.
۴. پور نامداریان، تقی. (۱۳۸۳). رمز و داستان های رمزی در ادب فارسی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چ پنجم.
۵. تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲). بوطیقای ساختارگرا. ترجمه محمد نبوی. تهران: آگاه.
۶. حسینی، حسن. (۱۳۶۷). بیدل، سپهری و سبک هندی، تهران: سروش (به نقل از تعریفات جرجانی). فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی-واحد بوشهر. شماره بیست و سوم. بهار ۱۳۹۴ (ش.پ ۲۳)
۷. حسینی کازرونی، احمد. (۱۳۹۴). تمثیل و ادبیات تمثیلی. فصل نامه تحقیقات تعلیمی و غنایی زبان و ادب فارسی. دانشگاه آزاد اسلامی-واحد بوشهر. شماره بیست و سوم.
۸. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۶). امثال و حکم. دوره چهار جلدی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر. چ چهاردهم.
۹. سجادی، سید ضیاء الدین (۱۳۷۴). فرهنگ لغات و تعبیرات با شرح اعلام و مشکلات دیوان خاقانی شروانی. دو جلدی تهران: انتشارات زوآر.
۱۰. شریفی دوست، حمزه. (۱۳۹۰ ش). نیم نگاهی به فرضیه جذب (راز). قم: عصر آگاهی.
۱۱. شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). فرهنگ اشارات (اساطیر، سنن، آداب ... دو جلدی. چاپ نخست از ویرایش دوم. تهران: نشر میترا.
۱۲. علوی مقدم، محمد. اشرف زاده، رضا. (۱۳۷۹). معانی و بیان. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). چ دوم.
۱۳. علیپور، پوران (صدیقه). (۱۳۹۴). بوطیقای اثر ادبی در رخداد پیشامتن، متن و پسا متن. زبان شناخت، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. شماره اول. سال ششم. بهار و تابستان.
۱۴. فتوحی، محمود (۱۳۸۹). بلاغت تصویر. تهران: انتشارات سخن. چ دوم.
۱۵. مظاهری سیف، حمید رضا. (۱۳۹۰ ش). قانون جذب. قم: عصر آگاهی.
۱۶. محمود حسن قیصر، سید آموهوی، «طالب علی عیشی»، (کتابخانه رضا، رامپور، هندوستان) مجله «معارف»، دارالمصنّفین، شهر اعظم گّر، هندوستان، شماره ۴، جلد ۵، آوریل ۱۹۶۰، صفحات: ۲۶۱-۲۷۳؛

شماره ۵، جلد ۵، می ۱۹۶۰، صفحات: ۳۸۰ تا ۳۸۹.

۱۷. معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی دوره شش جلدی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر. چ هفتم.
۱۸. میرچالیاذه (۱۳۸۴). اسطوره و رمز در اندیشه میرچالیاذه. ترجمه‌ی جلال ستاری. تهران: نشر مرکز. چ دوم.
۱۹. نسخه خطی "کلیات دیوان طالب علی لکهنوی متخلص به عیشی" به شماره ۱۶۳۴۲/۶۷۶ سنه ۱۲۳۲ ه.ق. مجلس شورا (سنا)
۲۰. ولادیمیرپراپ (۱۳۹۲). ریخت شناسی قصه‌های پریان. ترجمه: فریدون بدره ای. تهران: انتشارات توس. چ سوم.
21. Wittgenstein. ludwing (1953). philosophical investigation. london: oxford basil balk wel pudlishers.
22. Hirschjr. e. d. (1967). validity in interpretation. yale university press. New ha ven and London.
23. Olsen tein haugrom (1987). the end of literary theory. cambridge university press.
۲۴. <https://www.yjc.ir> «علاءالدین» دوباره بازمی‌گردد/ ویل اسمیت در نقش غول چراغ جادو ۱۹ مهر ۱۳۹۷.



Passing on "allegory" in the Masnavi of Talib Ali Khan Lokhanawi, called 'Eishi'

Ziba Falahi¹, Mehrdad Chatraei^{2*}, Maryam Mahmoodi³

1. PhD Student, Persian Language and Literature Islamic Azad University,
2. Assistant Professor, Persian Language and Literature Islamic Azad University Najaf Abad Branch, Najaf Abad
3. Associate Professor Persian Language and Literature Dehaqan Branch, Dehaqan

Abstract

Allegory is one of the most important and most ancient rhetorical methods in Persian literature and the social culture of the world. It covers a large volume of educational literature due to its semantic capacity and the function of discourse. The allegory in Persian manuscripts has a cultural-literary, sustainable and continuous approach. In this article, introducing the version of "The General Divan of Talib Ali Khan called Eisei" of 1232 AH, we will bring new examples of his allegories. Eisei was born in 1197 and at the age of 35 he wrote "Urdu Diwan" and "Persian General". The Persian version has been written into Nastaliq's font. In spite of the impeachment of the Ahlul Bayt and very Imams (PBUH), it can be understood that Talib Ali Khan ('Eisei') is a devout poet and a Shiite religious scholar with a mystical role. The poet has been able in allegorical tales. This speech, for the first time, examines allegories in 2161 bits of Masnavi. Based on the writers' compilation, over 200 allegories and its variants have been published, most notably the "Four Friends" Masnavi, which we have dealt with as an allegorical story. This research by analytical-librarian method can prove the cultural interaction of the subcontinent with the Persian language and add to the culture of the Persian allegories abroad.

Keywords: the Persian allegories. Taleb Ali Khan Eishi. narrative Allegory. the Masnavi



I. A. U.
Bushehr Branch

ISSN 2008-627X

Journal of Research Allegory in Persian Language and Literature

Vol. 11 • No. 39 • Spring 2019

- The Analysis of Symbolic Allegories of Horse in Ferdowsi's Shahnameh
Hassan Tajikmohammadiyeh, Ata Mohammad Radmanesh, Mehrdad Chatrayi 27
- The allegorical approach of Saeb Tabrizi in expressing the characteristics of a healthy person from the perspective of human-oriented psychologists, relying on the Divan Ghazlitat poet
Behzad Pourrezaein, Seyyed Ahmad Hussein Kazeroni, Seyyed Jafar Hamadi, Ezat Dire 57
- The study of Kelly and Demne's moral parables in explaining the purpose of medicine
Akbar sajadi 78
- Passing on "allegory" in the Masnavi of Talib Ali Khan Lokhanawi, called 'Eishi'
Ziba Falahi, Mehrdad Chatraei, Maryam Mahmoodi 96
- From "to be" till "to become" in a figurative story from Masnavi (Comparative review of "a figurative story" from Masnavi with "human in path of to be till to become" concept in existentialism philosophy)
Maryam Mortezaei, Reza Ashrafzade, Batul Fakhre Islam 116
- Application of the symbol and parable in the poem of Atar Nishapur
Jafar Havasi, Sayed Ahmed Hosseini, Farzana Yousef ganbari 135

Islamic Azad University
Bushehr Branch

